

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فیش منبر

سلام الله عليها

ولادت حضرت فاطمه

ارمغان معراج

↓ کانال فیش منبر و مرثیه درایتا ↓

<https://eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = سایت طلبه یار

ولادت حضرت مادر؛ فاطمه زهرا سلام الله علیها (۲۰ جمادی
الثانیه)

همه ساله، سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله
علیها) در کشور ما گرامی داشته می شود و به این مناسبت،
جشن های فراوانی در سراسر شهرها برگزار می گردد. همچنین
با نام گذاری این روز به عنوان «روز مادر»، بر جایگاه و نقش
بسیار با اهمیت مادران در جامعه اسلامی تأکید و الگوهای
رفتاری حضرت زهرا (س) در خانواده به عنوان یک مادر بیان می
شود. گرچه سخن گفتن از نمونه بارز و الگوی کامل مادر، جناب
صدیقه کبری (س) امری بسیار سخت و خطیر است، اما
شایسته است که از دریای زلال معارف آن بانوی بزرگ، «هم به
قدر تشنگی باید چشید.»

تولد حضرت زهرا (س)، ارمغان معراج

حضرت فاطمه در سال پنجم بعثت (۱)، در روز بیستم ماه
جمادی الثانی (۲) به دنیا آمدند. در کتاب دلائل الامامه، محمد
بن جریر طبری از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که
فرمود: «فاطمه در بیستم جمادی الثانی سال چهل و پنجم از
ولادت پیامبر (ص) متولد شد (۳).»

در سال پنجم بعثت و پیش از تولد حضرت زهرا(سلام الله علیها)، حادثه بزرگی در زندگی پیامبر(صلی الله علیه وآله) رخ داد؛ او به فرمان خدا برای مشاهده ملکوت آسمان ها به معراج رفت و به مصداق آیه ۱ سوره اسراء یعنی «لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا»، آیات عظیم پروردگار را در پهنه بلند آسمان با چشم خود دید و روح بزرگش آماده پذیرش رسالتی سنگین توأم با امید گردید. در همین سیر و سفر آسمانی هنگامی که پیامبر(ص) از بهشت عبور می کرد، جبرئیل از میوه درخت طوبی به آن حضرت داد، و هنگامی که پیامبر(ص) به زمین بازگشت نطفه حضرت فاطمه زهرا(س) از آن میوه بهشتی منعقد شد (۴). لذا در حدیثی می خوانیم که پیامبر(ص) فاطمه(س) را بسیار می بوسید، روزی همسرش عایشه بر این کار خرده گرفت که چرا این همه دخترت را می بوسی؟! پیامبر(ص) در جواب فرمود: «من هر زمان فاطمه را می بوسم، بوی بهشت برین را از او استشمام می کنم» (۵).

القاب حضرت زهرا و معنای مهم ترین نام های ایشان

این بانوی بهشتی ده نام داشت که هر کدام از دیگری پر معناتر و بیانگر اوصاف و برکات وجود پربرکت اوست:

۱- فاطمه ۲- صدیقه ۳- طاهره ۴- مبارکه ۵- زکّیه ۶- راضیه
۷- مرضیه ۸- محدّثه ۹- زهرا ۱۰- بتول (۶).

در نام معروفش «فاطمه» بزرگترین بشارت برای پیروان مکتبش نهفته است؛ چرا که «فاطمه» از ماده «فطم» به معنای جدا شدن یا بازگرفتن از شیر است (۷) و طبق حدیثی که از امام علی (علیه السلام) نقل شده، آن بانو به این خاطر به این اسم نامیده شده که (خداوند دوست دارانش را از آتش دوزخ باز گرفته است)؛ «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا عَنِ النَّارِ (۸)».

از میان نام های او نام «زهرا» نیز درخشندگی و فروغ خاصی دارد. از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: چرا فاطمه را «زهرا» می نامند؟ فرمود: «زیرا زهرا به معنای درخشنده است و فاطمه چنان بود که چون در محراب عبادت می ایستاد نور او برای اهل آسمان ها پرتوافکن می شد همان گونه که نور ستارگان برای اهل زمین پرتو افکن است لذا زهرا نام نهاده شد (۹)».

محبت فراوان پیامبر (ص) نسبت به فاطمه (س)
بیانات فراوانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) وارد شده که

دالّ بر محبت فراوان حضرت شان به دخترشان حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. بدیهی است علاقه پیامبر تنها به خاطر رابطه پدری و فرزندی نبود، هر چند این عاطفه در وجود پیامبر (ص) موج می زد، اما تعبیرات و سخنانی که آن حضرت به هنگام اظهار علاقه نسبت به دخترش فاطمه (س) بیان می کرد، نشان می داد که در اینجا معیارهای دیگری مطرح است. یعنی محبت به حضرت زهرا به عنوان یکی از اولیای الهی (۱۰). در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «هنگامی که شوق بهشت در دلم پیدا می شود گوی فاطمه را می بوسم (۱۱)». این حدیث نیز از بسیاری از محدثین شیعه و سنی راجع به رابطه پیامبر اسلام (ص) با دخترشان نقل شده که فرمودند: «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده و هر کس او را خشمگین کند مرا هشمگین نموده و هر کس او را مسرور کند مرا مسرور نموده است (۱۲)».

بدون شك شخصیت والای فاطمه (علیها السلام) و آینده درخشان و مقام عرفان و ایمان و عبادتش این همه احترام را ایجاب می کرد. چرا که امامان، همه از نسل او بودند. و به علاوه او همسر بزرگ مرد اسلام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بود. اما پیامبر (ص) با این عمل می خواست حقیقت دیگری را نیز به

مردم تفهیم کند و دیدگاه اسلام را در زمینه دیگری روشن سازد و در فضای جهل زده جامعه عربی آن روز، انقلاب فکری و فرهنگی بیافریند و بگوید: دختر، موجودی نیست که باید زنده به گور شود، ببینید من دست دخترم را می بوسم، او را بر جای خود می نشانم و این همه عظمت و احترام برای او قائلم. دختر انسانی است همچون سایر انسان ها، نعمتی است از نعمت های پروردگار، موهبتی است الهی. دختر نیز می تواند مانند پسر مدارج کمال را طی کند و به حریم قرب خدا راه یابد. پیامبر(ص) به این ترتیب شخصیت در هم شکسته زن را در آن محیط تاریک احیا فرمود(۱۳).

عصمت و مقام علمی حضرت زهرا(س)

حضرت فاطمه(سلام الله علیها) به سبب آنکه یکی از مصادیق آیه تطهیر(۱۴) است، دارای مقام عصمت است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ (جز این نیست که همواره خدا می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است پاک و پاکیزه گرداند(۱۵)). (بر اساس این آیه، خداوند اراده کرده است اهل بیت(علیهم السلام) را از هرگونه زشتی و پلیدی پاک گرداند و بنابر بسیاری از روایات شیعه و اهل سنت، فاطمه یکی

از مصادیق اهل بیت است (۱۶). در منابع روایی و تاریخی اهل سنت روایاتی گزارش شده که پیامبر(ص) با استشهاد به آیه تطهیر، اهل بیت خود یعنی فاطمه(س)، علی(علیه السلام)، حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) را از هرگونه گناه مبرا دانسته است (۱۷).

همچنین آن حضرت به خاطر تربیت یافتن در دامن پدری چون پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) واجد والاترین مراتب علمی نیز بودند. ممکن نیست فردی که به مقامات والای علم و دانش نرسیده، رضای او رضای خدا و غضب او غضب پروردگار و پیغمبر باشد. روایات مهمی در منابع معروف اسلامی وارد شده، که از مقام ارجمند علمی این بانوی بزرگ پرده بر می دارد. ابونعیم در حدیثی از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نقل می کند که روزی رو به یارانش کرد و فرمود: «چه چیزی برای زنان از همه بهتر است؟» یاران ندانستند در جواب چه بگویند. علی(علیه السلام) به سوی فاطمه(سلام الله علیها) آمد و این مطلب را به اطلاع او رسانید. بانوی اسلام گفت: «چرا نگفتی از همه بهتر برای آنها این است که نه آنها مردان بیگانه را ببینند و نه مردان بیگانه آنها را [یعنی با آنها جلسات خصوصی نداشته

باشند[؟]»، علی(ع) بازگشت و این پاسخ را به پیغمبر اکرم(ص) عرض کرد. پیامبر فرمود: «چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟»، عرض کرد: «فاطمه». پیامبر فرمود: «او پاره وجود من است(۱۸)».»

این حدیث نشان می دهد که امیرمؤمنان(علیه السلام) با آن مقام عظیمی که در علوم و دانش داشت که دوست و دشمن همه به آن معترفند و باب مدینه علم پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) بود گاهی از محضر همسرش فاطمه(علیها السلام) استفاده علمی می کرد. این سخن پیغمبر(ص) نیز که بعد از بیان احاطه علمی فاطمه(س) می گوید: «او پاره ای از وجود من است» بیانگر این واقعیت است که منظور فقط این نیست که حضرت زهرا(س) پاره تن و جسم آن حضرت باشد بلکه فاطمه(س) پاره ای از روح پیامبر(ص) و علم و دانش و اخلاق و ایمان و فضیلت او نیز بود و پرتوی از آن خورشید و شعله ای از آن مشکات محسوب می شد.

منشأ علم بی کران آن حضرت، علاوه بر پرورش در دامن پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)، نتیجه ارتباط ایشان با عالم غیب نیز بود. این همان چیزی است که در اصطلاح دینی به آن «محدّث

بودن «اطلاق می شود. موضوع محدث بودن مسئله ای مسلم در آموزه های اسلامی است؛ زیرا شیعه و اهل سنت در این مطلب هم رأی و هم سخن هستند و علمای اهل سنت به امکان «محدّث» و مورد سخن غیب قرار گرفتن افراد تصریح کرده اند. قرطبی در این باره می نویسد: «محدث کسی است که پندار و گمانش صادق باشد یا به او الهام می شود؛ آن کسی که در دلش به صورت الهام یا مکاشفه از عالم بالا چیزی القا شده باشد و یا اینکه بدون تصمیم قبلی سخن راستی بر زبانش جاری شود و یا بدون آنکه به مقام نبوت رسیده باشد ملائکه با او سخن گویند. این کرامتی است که خدا به هر یک از بندگان که بخواهد، عطا می فرماید (۱۹)». همچنین از امامان اهل بیت روایات بسیار نقل شده است که جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) همگی محدّث بوده اند؛ به عنوان نمونه امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «به درستی که اوصیاء محمد همگی محدث هستند (۲۰)».

مقصود از نقل این روایات، اشاره به این مطلب است که حضرت صدیقه (علیها السلام) با علی (علیه السلام) و اولاد معصومین او در این فضیلت شریک است و او نیز محدّث بوده، چنان که امامان دوازده گانه محدث بوده اند. امام صادق (علیه السلام)

در باره «محدثه بودن» حضرت زهرا(س) می فرماید: «فاطمه دختر رسول خدا محدثه بود ولی پیامبر نبود. او را از این جهت محدثه نامیده اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می شدند و با او - همان گونه که با مریم بنت عمران گفتگو داشتند - این چنین سخن می گفتند: یا فاطمه به درستی که خدای تعالی تو را پاک و منزّه گردانید و از میان تمام زنان عالم تو را برگزید.... شبی حضرت صدیقه (علیها السلام) به فرشتگانِ هم صحبت خویش فرمود: آیا آن زنی که از جمیع زنان عالم برتر است مریم نیست؟ جواب دادند: نه، زیرا مریم فقط سیده زنان عالم در زمان خودش بود، ولی خدای تعالی تو را - هم در زمان مریم، و هم در بین زنان دیگر - از اولین و آخرین، سرور بانوان جهان قرار داده است (۲۱).»

همچنین در برخی از احادیث تصریح شده است به اینکه جبرئیل هم صحبت حضرت صدیقه (علیها السلام) بوده است. روایات وارده در این موضوع صریحا حاکی از این است که بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، خداوند متعال برای تسلی خاطر حضرت زهرا(س) فرشتگان را هم صحبت و مانوس او گردانید و در این مورد حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید: «فاطمه بعد از رحلت پیامبر اکرم بیش از ۷۵ روز زنده

نماند، و غم جان سوز داغ پدر قلب او را لبریز کرده بود، به این جهت جبرئیل پی در پی به حضورش می آمد و او را در عزای پدر تسلیت می گفت، و تسلی بخش خاطر غمین زهرا بود؛ و گاه از مقام و منزلت پدر بزرگوارش سخن می گفت، و گاه از حوادثی که بعد از رحلت او بر ذریه اش وارد می گردید خبر می داد؛ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز آنچه جبرئیل املاء می کرد همه را به رشته تحریر در می آورد، و مجموعه ی این سخنان است که به مصحف فاطمه موسوم گردید (۲۲).»

روایات دال بر «محدثه بودن» حضرت زهرا فراوان است؛ اما ما به همین مقدار اکتفا می کنیم.

حجاب و عفاف در سیره حضرت زهرا(س)

سیره عملی و جزء جزء حیات آن حضرت گویاترین شاهد قدر و منزلت حیا، عفاف و حجاب نزد ایشان است. آن حضرت در توصیه ای تربیتی به زنان می فرمایند: «بهترین چیز برای زن آن است که مردی را نبیند و نیز مورد مشاهده مردان قرار نگیرد (۲۳).» مطالعه متون تاریخی مربوط به پوشش شخصی حضرت زهرا(سلام الله علیها) نیز می تواند راهنمای ما برای

شناخت اهمیت این حکم شرعی نزد اهل بیت (علیهم السلام) باشد.

در این باره فضیل بن یسار از امام باقر (علیه السلام) اینگونه روایت می کند که فرمود: «فاطمه سیده زنان بهشت است و مقنعه او تا اینجا بیشتر نبود و [امام باقر] با دست تا وسط بازو را نشان داد (۲۴)». «این مقنعه بلند فقط بخشی از حجاب حضرت صدیقه طاهره بوده است، چرا که پوشش ایشان هنگام حضور در مجامع عمومی تر، شکلی بسیار کامل تر داشت. در توصیف پوشش آن حضرت در حوادث تلخ بعد از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز می خوانیم که: «مقنعه خود را بر روی سر انداختند [پیچاندند] و سرتاسر خود را با چادرشان پوشاندند، همراه با جمعی زنان قبیله خود راه افتادند در حالی که دنباله دامن شان روی زمین می کشید (۲۵)».

حیای ایشان به آن حد بود که در کتاب «ذخائرالعقبی» از اسماء بنت عمیس داستان عجیبی به این شرح نقل شده است: روزی فاطمه (علیها السلام) به من فرمود: «من از کار مردم مدینه که زنان خود را بعد از وفات به صورت ناخوشایندی برای دفن می برند و تنها پارچه ای بر او می افکنند که حجم بدن از پشت آن

نمایان است ناخرسندم». اسماء گفت: من در سرزمین حبشه چیزی دیده‌ام که با آن جنازه مردگان را حمل می‌کردند، سپس شاخه‌هایی از درخت نخل را برداشت و به صورت تابوت مخصوصی درآورد که پارچه‌ای را روی چوب‌های آن می‌افکندند، و بدن را درون آن می‌گذارند، به گونه‌ای که بدن پیدا نبود. هنگامی که فاطمه بانوی بزرگ اسلام (سلام الله علیها) آن را مشاهده کرد فرمود: «بسیار خوب و عالی است [و هنگامی که من از دنیا رفتم مرا با آن بردارید]». در ذیل همین حدیث آمده است: هنگامی که فاطمه (س) چشمش به آن افتاد تبسم کرد و این تنها تبسم او بعد از وفات پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود (۲۶).

زهد حضرت زهرا (س)

کم ارزش داشتن مظاهر دنیا، ساده زیستی و زهد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود که در تک تک مراحل حیات پربرکت شان نمود داشت. یکی از بارزترین نمودهای این سادگی جهیزیه آن حضرت بود.

در منابع تاریخی ثبت شده است که حضرت زهرا (سلام الله علیها) با این وسایل ساده به خانه حضرت علی (علیه السلام)

رفتند: يك عدد روسری بزرگ به چهار درهم، يك قواره پیراهن به هفت درهم، يك تخت که با چوب و برگ خرما تهیه شده بود، چهار عدد بالش از پوست گوسفند که از گیاه خوشبوی «اذخر» پر شده بود، يك پرده پشمی، يك قطعه حصیر، يك عدد آسیاب كوچك دستی، يك مشك چرمی، يك طشت مسی، يك ظرف بزرگ برای دوشیدن شیر، يك سبوی گلی سبز رنگ.

این جهیزیه به قدری ساده و اندک بود که وقتی آن را نزد پیامبر آوردند، پیامبر گریست و دست به دعا برداشت و فرمود: خدایا مبارک کن این جهیزیه را که اغلب آن از گل است (۲۷).

این سادگی در ادامه زندگی آن حضرت نیز مصادیق فراوانی داشت. در روایتی نقل شده که وقتی پیامبر (صلی الله علیه وآله) از سفر باز می‌گشت نخست به سراغ دخترش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌آمد و مدتی نزد او می‌ماند. ولی یک بار برای فاطمه زهرا (س) دو دستبند از نقره و همچنین یک گردن بند و دو گوشواره ساخته بودند و ایشان پرده‌ای بر در اطاق آویزان کرده بود. هنگامی که پیامبر (ص) وارد شد و این منظره را دید بیرون آمد در حالی که آثار غضب در چهره اش نمایان بود، به مسجد آمد و بر منبر نشست. فاطمه (س)

دانست که ناخشنودی پیغمبر(ص) به خاطر همان مختصر زینت است، همه را نزد پدر فرستاد تا در راه خدا صرف کند. هنگامی که چشم پیامبر(ص) به آن افتاد سه بار فرمود: «فاطمه آنچه را که می خواستم انجام داد، پدرش به فدایش باد(۲۸)».

خدمات زهرای مرضیه(سلام الله علیها) در خانه علی(علیه السلام) تا آن جا بود که با یک دست گندم را برای پختن نان آسیاب می کرد و با ست دیگر طفلش را در آغوش می گرفت. این همه شاهد گویای مقام زهد اوست(۲۹).

الگوهای رفتاری حضرت زهرا(س) به عنوان یک مادر

یکی از مهم ترین و درس آموزترین ویژگی های حضرت زهرا(سلام الله علیها)، راهکارهای تربیتی ایشان در پرورش فرزندان شان است که می تواند برای هر مادری الگوی کاملی باشد.

حضرت فاطمه(سلام الله علیها) خود با فرزندانش هم بازی می شد و در حین بازی با استفاده از الفاظ و جملات مناسب سعی در ساختن شخصیت کودکانش و ارائه الگویی مناسب در زندگی برای آن ها داشت. ایشان با فرزندش امام مجتبی(علیه

السلام) بازی می کرد و او را بالا می انداخت و برایش شعری می خواند که مضمون آن چنین بود: «پسرم حسن مانند پدرت باش؛ ریسمان ظلم را از حق بر کن. خدایی را بپرست که صاحب نعمت های متعدد است و هرگز با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن (۳۰)».»

رعایت عدالت در بین فرزندان اعتماد آنها را جلب می کند و تأثیر ایجابی عمیقی بر آنها می گذارد. نمودهای این عدالت در ابراز محبت، تأمین نیازهای مادی، گفتگو، مشاوره، تقدیم هدیه، خرید و ... از والدین به فرزندان صورت می پذیرد. در نبود عدالت، تبعیض و مقدم داشتن یکی از فرزندان بر دیگری، حسادت و نفرت فرزندان از همدیگر را برمی انگیزد و ممکن است موجب شود که آن کودک، لجوج بار بیاید.

در برخورد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با فرزندان نمونه هایی از رعایت این اصل ظریف و مهم تربیتی به چشم می خورد. روزی امام حسن (علیه السلام) نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمد و اظهار تشنگی کرد و از پیامبر (ص) تقاضای آب نمود. رسول خدا (ص) بی درنگ برخاسته، ظرفی برداشت و از گوسفندی که داخل منزل بود، مقداری شیر دوشید و به امام

حسن داد. در این هنگام حسین(علیه السلام) خواست تا ظرف شیر را از برادرش بگیرد. اما پیامبر به حمایت از امام حسن(ع) مانع گرفتن شیر شد. فاطمه(س) که شاهد این ماجرا بود، به پیامبر گفت: گویا حسن(ع) برای شما عزیزتر از حسین است؟ پیامبر(ص) فرمود: نه هر دو برایم عزیز و محبوبند، ولی چون اول حسن(ع) تقاضا کرد او را مقدم داشتم(۳۱).

یکی دیگر از مهم ترین اصول تربیتی که والدین باید آن رعایت آن را در تعامل با فرزندان شان مدنظر قرار دهند، پرورش روحیه نوع دوستی و مواجهه با مشکلات است که در زندگی حضرت زهرا(سلام الله علیها) به عنوان به یک مادر؛ نمود فراوانی داشت. در کتب حدیثی وارد شده که فرزندان فاطمه(س) همواره شاهد آن بودند که مادرشان به مردم کمک کرده و خود گرسنه می ماند و به قیمت گرسنگی خود دیگران را سیر می کرد(۳۲).

سیره حضرت فاطمه(سلام الله علیها) و الگوهای رفتاری ایشان در تعامل با فرزندانش مملو از مثال های درس آموزی در زمینه تربیت فرزندان است اما در این مقال کوتاه امکان پرداختن به همه آنها وجود ندارد.

جایگاه «مادر» در منظومه تعالیم اسلام؟

در تعالیم دین اسلام، جایگاه «مادر» همیشه به عنوان شأنی بااهمیت و شایسته احترام مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال در قرآن مجید، ۴ بار پس از آموزه «توحید»، جایگاه و مقام «مادر» مورد اشاره قرار گرفته است [\(۳۳\)](#). در آیات و روایات، بیانات فراوانی مختص به جایگاه و شأن مخصوص مقام مادر می توان یافت.

برای مثال می بینیم که در آیه ۱۴ سوره لقمان [\(۳۴\)](#) و آیه ۱۵ سوره احقاف [\(۳۵\)](#)، با بیان رنج و تلاش مادر در دوران بارداری، بر اهمیت و ارزش کار او و لزوم تشکر از آن تأکید شده است. این تأکید به خاطر سختی های زنان در این دوران پرمشقت است که در آن گرفتار سستی می شوند. چون در این دوران شیریه جان و مغز استخوان شان را به پرورش جنین خود اختصاص می دهند و از تمام مواد حیاتی وجود خود بهترینش را تقدیم او می دارند. به همین دلیل است که می بینیم زنان در ۹ ماه حمل دچار کمبود نقصان ویتامین ها می شوند [\(۳۶\)](#).

در بیانات پیشوایان اسلامی نیز مثال های متعددی از لزوم توجه به جایگاه مادران به چشم می خورد. برای مثال در بیانی

نبوی و در بیان اهمیت رضایت مادر می خوانیم که: «بهشت زیر پای مادران است (۳۷)». نیز در نقلی تاریخی می خوانیم که وقتی مردی خدمت آن حضرت رسید و سؤال کرد که چه کسی شایستگی نیکی کردن دارد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را به احسان به «مادر» توصیه کرد و بعد از تکرار دوباره و سه باره این پرسش، همین پاسخ را از آن حضرت شنید (۳۸).

همچنین در روایتی از امام سجاد (علیه السلام) نیز می خوانیم که بعد از شمارش همه حقوق عظیمی که مادران به گردن فرزندان شان دارند، این حقیقت بیان می شود که، منزلت آن صاحب حق آن قدر والا و ارزشمند است، که حتی امکان شکرگزاری او بدون کمک و یاری خداوند، میسر نیست (۳۹).

علاوه بر این روایات، در فرمایشات ائمه اهل بیت (علیهم السلام)، «مادران» دارای جایگاهی معروفی می شوند که رضایت یا عدم رضایت آنها می تواند عاملی تأثیرگذار در «عاقبت به خیری» و «سعادت» فرزندان یا «شقاوت» و تباهی آنها باشد.

امام صادق (علیه السلام) ضمن بیان واقعه ای تاریخی درباره یکی از نزدیکان حضرت موسی (علیه السلام)، نیکی آن شخص را

به مادر خود - در کنار احسان به پدر - موجب برخوردار شدنش از نعمات الهی معرفی کرده است (۴۰).

همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در بیانی بسیار مهم و ارزشمند، نیکی کردن به مادر و جلب رضایت او را مقدمه توبه و استغفار از گناهان و عاقبت بخیری دانسته است (۴۱). و در مقابل، در بیانی دیگر نارضایتی مادر را - در کنار پدر - به عنوان یکی از چهار عاملی که رحمت الهی را از انسان دریغ می کند برشمرده است (۴۲).

همه این آموزه ها و دیگر بیاناتی که امکان بیان شان در این مقال مختصر نبود، دلالت بر اهمیت جایگاه بی نظیر مادر در تعالیم اسلامی دارد.

چرایی تأکید اسلام بر مقام مادر؟

تأکید اسلام بر جایگاه «مادران» فقط نظر به جنبه های اخروی و معنوی ندارد و به خاطر واقعیتی انکارناشدنی در جامعه است. تأثیرگذاری مادر در شکل گیری خانواده، به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی، نمی تواند بر کسی پوشیده باشد.

نمی توانیم انکار کنیم که جامعه چیزی نیست جز انبوه خانواده های کوچکی که در کنار هم قرار قرار گرفته و کلیت واحدی به

نام «نظام اجتماعی» را پدید آورده اند. برای ساختن یک جامعه ای موفق، می توان از طریق خانواده به فرزندان - به عنوان شهروندان نسل های آینده جامعه و بازیگران عرصه های مختلف اقتصادی و فرهنگی و نظامی و بهداشتی آن - فداکاری، محبت، عشق، آداب و رسوم، فرهنگ بومی، وظیفه شناسی، مسئولیت پذیری و بسیاری دیگر از آموزه های اخلاقی را آموخت و بدین وسیله بذر شرافت، سازگاری و سلامت جسمی و روانی و عاطفی را درون آنها کاشت (۴۳). در یک کلمه، شخصیت شان را شکل داد.

در این پروسه بسیار با اهمیت اگرچه مادران و پدران هر دو سهیم اند، اما این مادران هستند که به خاطر گستره تعامل و عمق ارتباطی که با فرزندان دارند، نقش اساسی را ایفا می کنند.

کسانی که نقش «مادری» را کم ارج می دانند و تربیت فرزند را امری بی ارزش و مقدار ارزیابی می کنند و الگوی «زنان موفق» را در نقش ها و هویت های شغلی و ورزشی و تحصیلی منحصر می کنند، دانسته یا ندانسته، شکل گیری هویت نسل های آینده را با تهدیداتی جبران نشدنی مواجه می سازند.

بعد از محدود شدن الگوی زنان موفق در «زنان شاغل»، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته جهان، وظیفه تربیتی کودکان به مربیان «مهد کودک» ها و پرستاران خانگی سپرده شد. یعنی کسانی که نوعاً نگاهی کاری و از سر تأمین معیشت به این مسئولیت مهم دارند و - چه بسا به خاطر درگیر بودن با مشکلات متعدد اقتصادی و اخلاقی - دقت لازم را در وظیفه تربیتی شان به خرج ندهند. گذشته از این مشکل بسیار مهم و حتی بر فرض وظیفه شناسی مربیان و پرستاران، نفس عدم وجود مادر در خانه و از دست رفتن اوقات مورد نیاز برای تربیت کودک، موجب کاهش فرصت های همگرایی و هم نشینی مادر و فرزند و در نتیجه پدید آمدن کمبودهای روانی و احساسی و نقصان های عاطفی در کودکان می شود. چنین کودکانی ظرفیت فراوانی برای پرخاشگری و عقده ای شدن دارند و چه بسا با کمترین توجّه دروغین و فریب در تور شیاطین جامعه گرفتار آیند.

اینجاست که راز تأکید اسلام بر نقش «مادری» فراتر از همه ثواب های اخروی و مقامات معنوی و فراتر از همه بزرگداشت های تشریفاتی و نمادین روشن می گردد.

۱. (الكافي، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاري، علي اكبر، آخوندي، محمد، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷هـ ق، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۴۵۸؛ دلائل الإمامة، طبري آملی صغير، محمد بن جرير بن رستم، نشر بعثت، قم، ۱۴۱۳هـ ق، چاپ اول، ص ۷۹؛ روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، فتال نيشابوري، محمد بن احمد، انتشارات رضی، قم، ۱۳۷۵هـ ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۴۳ .
۲. (مسار الشيعة، مفيد، محمد بن محمد، نجف، مهدي، دار المفيد، قم، ۱۴۱۳هـ ق، چاپ اول، ص ۵۴؛ المصباح، كفعمي، ابراهيم بن علي عاملي، دار الرضي، قم، ۱۴۰۵هـ ق، چاپ دوم، ص ۵۱۲ .
۳. (الإمامة، طبري آملی صغير، محمد بن جرير بن رستم، نشر بعثت، قم، ۱۴۱۳هـ ق، چاپ اول، ص ۷۹ .
۴. (تفسير فرات الكوفي، كوفي، فرات بن ابراهيم، محقق / مصحح: كاظم، محمد، مؤسسة الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، تهران، ۱۴۱۰هـ ق، چاپ اول، ص ۲۱۱ .
۵. «(فَمَا قَبَّلْتُهَا قَطُّ إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا». بحار الأنوار، مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳هـ ق، چاپ دوم، ج ۴۳، ص ۶ .
۶. (زهرا(ع) برترین بانوی جهان، مكارم شيرازي، ناصر، ناشر: مؤلف، قم، بی تا، چاپ اول، ص ۲۱ .
۷. (كتاب العين، فراهيدي، خليل بن أحمد، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹هـ ق، چاپ دوم، ج ۷، ص ۴۴۲ .
۸. (بحار الأنوار، همان، ج ۴۲، ص ۱۶ .
۹. (بحار الأنوار، همان، ج ۴۲، ص ۱۲ .
۱۰. (زهرا(ع) برترین بانوی جهان، همان، ص ۲۵ .
۱۱. «(إِذَا اسْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ قَبَّلْتُ نَحْرَ فَاطِمَةَ». ذخائر العقبی في مناقب ذوی القربی، الطبري، محب الدين أحمد بن عبد الله، مكتبة القدسي، القاهرة، ۱۳۵۶هـ ق، ص ۳۶ .
۱۲. «(إِنَّ فَاطِمَةَ بَصْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ عَاظَهَا فَقَدْ عَاظَنِي وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي». اعتقادات الإماميه، ابن بابويه، محمد بن علي، كنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۴هـ ق، چاپ دم، ص ۱۰۵ .
۱۳. (زهرا(ع) برترین بانوی جهان، همان، ص ۲۸ .
۱۴. (سوره احزاب، آيه ۳۳ .
۱۵. (الشافی فی الامامة، سيدمرتضى، علي بن حسين، تحقيق: حسيني، سيدعبدالزهر، انتشارات اسماعيليان، قم، ۱۴۱۰هـ ق، ج ۴، ص ۹۵ .
۱۶. (برای مثال ر.ک: الاحتجاج، طبرسي، احمد بن علي، تحقيق: خراسان، محمد باقر، دارالنعمان، نجف، ۱۳۸۶هـ ق، ج ۱، ص ۲۱۵؛ الدر المنثور في تفسير بالمأثور، سيوطي، جلال الدين، كتابخانه مرعشي نجفی، قم، ۱۴۰۴هـ ق، ج ۵، ص ۱۹۸ .
۱۷. (الدر المنثور في تفسير بالمأثور، همان، ج ۵، ص ۳۰۵؛ مناقب علي بی ابی طالب، ابن مردويه اصفهانی، احمد بن موسى، تحقيق: عبدالرزاق، محمدحسين، انتشارات دارالحدیث، قم، ۱۴۲۴هـ ق، ص ۳۰۵ .

١٨. (دعائم الإسلام، ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي، محقق / مصحح: فيضي، آصف، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ١٣٨٥هـ ق، چاپ دوم، ج ٢، ص ٢١٥ .
١٩. (فيض القدير شرح الجامع الصغير، المناوي، محمد عبدالرؤوف، المكتبة التجارية الكبرى، مصر، ١٣٥٦هـ ق، الطبعة الاولى، ج ٤، ص ٥٠٧ .
٢٠. «(أَنَّ أَوْصِيَاءَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحَدَّثُونَ. الكافي، همان، ج ١، ص ٢٧٠ .
٢١. (كتاب سليم بن قيس الهلالي، هلالی، سليم بن قيس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، نشر الهادی، قم، ١٤٠٥هـ ق، چاپ اول، ج ٢، ص ٨٢٤ .
٢٢. (بحار الانوار، همان، ج ٢٦، ص ٤١ .
٢٣. «(خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ» . وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤٠٩هـ ق، چاپ اول، ج ٢٠، ص ٦٧ .
٢٤. «(فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مَا كَانَ خِمَارَهَا إِلَّا هَكَذَا وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى وَسْطِ عَضْدِهِ» . مكارم الأخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، نشر الشريف الرضي، قم، ١٤١٢هـ ق، چاپ چهارم، ص ٩٣ .
٢٥. «(لَأَنْتَ خِمَارُهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اسْتَمَلْتِ بِجِلْبَابِهَا وَ أَقْبَلْتِ فِي لُمَّةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءٌ قَوْمِهَا تَطَأُ يُولَاهَا» . بحار الأنوار، همان، ج ٢٩، ص ٢١٦ .
٢٦. (ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربى، طبرى، محب الدين، مؤسسه دار الكتاب الإسلامی، قم، ١٥٢٨هـ ق، چاپ اول، ج ١، ص ٢٢٢ .
٢٧. (كشف الغمة في معرفة الأئمة، الاربلي، بهاء الدين على بن عيسى، نشر شريف رضى، قم، بی تا، ج ١، ص ٣٥٩ .
٢٨. «(فَعَلْتُ، فِداها أَبُوها» . بحار الانوار، همان، ج ٤٣، ص ٢٠ .
٢٩. «(لَقَدْ طَحَنَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَتَّى مَجَلَّتْ يَدُهَا، وَ رَبَا، وَ اتَّرَ قَطْبُ الرَّحَى فِي يَدِهَا» . حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، الاصبهاني، احمد بن عبدالله، نشر السعادة، مصر، ١٣٩٤هـ ق، ج ٢، ص ٤١ .
٣٠. (المجالس السننية في مناقب ومناصب العترة النبوية، الامين، سيد محسن، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، بی تا، ج ١، ص ١٨؛ شجرة الطوبى، الحائرى، محمد مهدى، منشورات المطبعة الحيدرية، نجف، ١٣٥٨هـ ق، ج ٢، ص ٢٥٧؛ المناقب لابن شهر آشوب، محمد بن على، مؤسسة انتشارات علامه، قم، بی تا، ج ٣، ص ٣٨٩ .
٣١. (بحار الانوار، همان، ج ٤٣، ص ٢٨٣ .
٣٢. (همان، ج ٤١، ص ٣٤ .
٣٣. (ر.ك: آيه ٨٣ سورة بقره، آيه ٣٦ سورة نساء، آيه ١٥١ سورة انعام، آيه ٢٣ سورة اسراء .
٣٤. «(وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَصَّعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا .»
٣٥. «(وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ وَ هُنَّ فِي فِصَالِهِ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِيُؤَدِّكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ .»

۳۶). (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱هـ ش، چاپ دهم، ج ۱۷، ص ۴۰.

۳۷). (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۸هـ ق، چاپ اول، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۳۸). (الكافی، همان، ج ۲، ص ۱۵۹.

۳۹). (ر.ک: الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲هـ ش، چاپ اول، ج ۲، ص ۶۵۸.

۴۰). (الكافی، همان، ج ۷۱، ص ۶۵.

۴۱). (همان، ج ۷۱، ص ۸۲.

۴۲). (همان، ج ۲۱، ص ۷۱.

۴۳). (ر.ک: روان شناسی ارشد، نجابتی، موسسه مهشاد، تهران، ۱۳۷۱هـ ش، ص ۶۷.

تهیه و تحقیق: معاونت پژوهش پایگاه اینترنتی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی